

# بررسی تطبیقی برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی با برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲

دکتر پروین صمدی\*

دکتر یحیی قائدی\*\*

معصومه رضانی\*\*\*

## چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی "برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران" با "برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲" است. به منظور تحقق این هدف، سوالات پژوهش در دو حیطه عناصر برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران و عناصر برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ و وجوه اختلاف و اشتراک آنها مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از عناصر برنامه درسی در این پژوهش چهار عنصر اساسی هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی است. جامعه آماری پژوهش شامل کتابهای درسی فلسفه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران و راهنمای آنهاست که در سال ۱۳۸۳ توسط دفتر تألیف و تدوین کتب درسی تهیه شده است. همچنین کتاب درسی فلسفه پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه فلسفه برای کودکان با عنوان "مارک" و راهنمای آن "پژوهش اجتماعی" است که توسط ماتیولیمین در سال ۱۹۸۰ تهیه شده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش اسناد و مدارک مربوط به برنامه درسی فلسفه ایران و برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. در این مورد کتابهای درسی دو برنامه فوق‌الذکر و راهنمای آموزشی آنها برای بررسی و تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نوع تحقیق توصیفی است که به مقایسه عناصر دو برنامه درسی فلسفه

---

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۳ پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۲۹

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء samadi\_p600@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران yahyghaedy@yahoo.com

\*\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد و مدرس دانشگاه پیام نور ramezani.masume@yahoo.com

مذکور پرداخته است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت تطبیقی است که در آن عناصر برنامه‌های درسی مذکور با توجه به مراحل روش تحقیق تطبیقی- بردی که شامل چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه است، بررسی شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که امکان تغییر و باز نویسی "برنامه درسی فلسفه برای کودکان" متناسب با نظام ارزشها و باورهای ایرانی و اسلامی وجود دارد.

**کلید واژه‌ها:** برنامه درسی، فلسفه، عناصر برنامه درسی، برنامه درسی فلسفه برای کودکان



## مقدمه

تعلیم و تربیت یکی از مهمترین فعالیتهای بشر در همه جوامع است. گسترش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده‌سازی افراد برای زندگی در جامعه در حال رشد از یک سو و تعدد دیدگاهها در زمینه نقشی که آدمیان در قرن جدید ایفا خواهند کرد، از سوی دیگر بیش از پیش دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را متوجه هدایت و سازماندهی فرایندهای آموزشی کرده است. تحولات سریع جوامع و رشد روز افزون اطلاعات و نیاز به نحوه برخورد صحیح با این شرایط، مستلزم آموزش درست‌اندیشیدن و پرورش قوه تحلیل و قضاوت است تا فرد توانایی سازگاری و هماهنگی لازم را با این تحولات بیابد. آموزش و پرورش جدید در تلاش است تا تفکر انتقادی و روشهای صحیح استدلال و تفکر را محور برنامه‌های درسی قرار دهد، به همین سبب نیازمند برنامه درسی است که محتوا و تجارب خاصی را ارائه می‌دهد.

در میان برنامه‌های درسی مقاطع مختلف آموزش و پرورش، دوره متوسطه از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی دوره بسیار مهمی است (صافی، ۱۳۸۳). برنامه درسی دوره متوسطه باید به گونه‌ای باشد که موجب رشد شخصیت نوجوانان شود و استعدادها را آنها را شکوفا سازد. از آنجا که این دوره میان آموزش عمومی و آموزش عالی پیوند برقرار کرد و افراد را برای ورود به جامعه و بازار کار آماده می‌سازد؛ بنابراین هر نوع کاستی در این دوره بر عملکرد و کیفیت نظام آموزشی مؤثر است. در این میان درس فلسفه از آنجا که اندیشیدن و قدرت تفکر و استدلال را مورد توجه قرار می‌دهد، درسی بسیار مهم به شمار می‌آید. «اندیشه روشنگر راه زندگانی است و فلسفه روشنگر بنیاد و روش‌اندیشیدن» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۵)، غرض از آموزش فلسفه نیز تعلیم تفکر<sup>۱</sup> است. چنین آموزشی باید به گونه‌ای باشد وقتی که دانش‌آموز از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شود، تفکر مستقل و ماهرانه در او به صورت عادت درآمده باشد.

## بیان مسئله و مبانی نظری پژوهش

آموزش فلسفه به دانش‌آموزان به معنای آموزش درست اندیشیدن درباره اندیشه‌ها از طریق جست و جو به روش علمی برای درست زیستن است. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که هدفمند بیندیشند و در تعبیر و تفسیر مسائل به قضاوت درست بپردازند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵). فلسفه در

صورتی که به منزله گفتگویی سقراطی در نظر گرفته شود، خیلی بهتر درک می‌شود تا در حکم یک موضوع درسی که باید به حافظه کودک منتقل شود. آموزش فلسفه زمانی موفق‌آمیز است که افرادی را تربیت کند که بتوانند درباره مسائل نقادانه بیندیشند و دارای تفکر خلاق باشند (لیمن، ۲۰۰۳). از نظر بسیاری از صاحب‌نظران، مدارس فاقد برنامه‌های لازم برای آموزش تفکر فلسفی و انتقادی<sup>۱</sup> و آموزش نحوه صحیح استدلال هستند. این موضوع در نظام آموزش و پرورش کشور ما بیش از نظامهای آموزشی ممالک غربی به چشم می‌خورد (صفایی مقدم، ۱۳۷۷). تقویت مهارتهای تفکر در برنامه‌های درسی ما یک ضرورت است و برنامه درسی فلسفه وسیله‌ای مناسب برای تقویت چنین مهارتهایی است. لازم است مهارتهای اساسی تفکر با فلسفه ترکیب شوند. در چنین شرایطی درس فلسفه از توان تأثیرگذاری بیشتر روی دانش‌آموزان برخوردار خواهد بود. از سویی نیز معنا و مفهوم فلسفه برای دانش‌آموزان دوره دبیرستان از اهمیت بسیار برخوردار است. دانش‌آموزان باید از طریق فلسفه رابطه میان فلسفه و زندگی خود را دریابند. همچنین لازم است دانش‌آموزان در درس فلسفه با ماهیت جامعه آشنا شوند و بتوانند نسبت خود را با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند برقرار نمایند (ملکی، ۱۳۸۳).

برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس ایران حاکی از آن است که درس فلسفه تنها در سال سوم دبیرستان و دوره پیش‌دانشگاهی برای دانش‌آموزان ارائه می‌شود و با وجود اینکه آموزش فلسفه، آموزش درست اندیشیدن برای درست زیستن و برخورداری از قدرت‌اندیشه و قضاوت صحیح و همچنین آموزش مهارتهای مورد نیاز هر فرد برای زندگی در جامعه در حال رشد و پیشرفت است، به ارائه آن در مدارس ایران توجه ویژه و ژرف نشده است. در واقع در نظام آموزشی ایران فرض بر این است که فلسفه درسی بسیار پیچیده و دشوار و یادگیری آن نیازمند تفکر انتزاعی است و این نوع تفکر پس از سالهای نوجوانی بروز می‌کند. واقعیت این است که نه تنها مسائل فلسفی از نوع مسائل پیچیده انتزاعی نیستند، بلکه دانش‌آموزان دبستانی و دوره راهنمایی نیز توانایی درک و فهم مسائل ساده فلسفی را دارا هستند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۶).

در راستای لزوم آموزش فلسفه به دانش‌آموزان و شکل‌گیری تفکر فلسفی و انتقادی در آنان "برنامه درسی فلسفه برای کودکان"<sup>۲</sup> را "موسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان"<sup>۳</sup> ارائه کرده است.

---

1. Philosophical And Critical Thinking  
 2. Philosophy for Children(p4c)  
 3. Institute for the Advancement of Philosophy for Children

این برنامه که مدیر موسسه ماتیو لیپمن<sup>۱</sup> آن را طراحی کرده است، روشی را مطرح می‌کند که در آن دانش‌آموزان با بهره‌گیری از مواد درسی مفاهیم را خلق می‌کنند و مهارت‌های تفکر و اجتماعی شدن را گسترش می‌دهند (بلیزبای، ۲۰۰۷). در این برنامه سعی شده است که به جای توجه به محتوا و نظریه‌های خاص فلسفی به روش‌های خاص تفکر فلسفی پرداخته شود.

هاینز<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) می‌گوید: فلسفه برای کودکان نمونه آشکار کاربرد فلسفه در آموزش و پرورش با هدف بهبود توانایی استدلال و قضاوت در دانش‌آموزان است. این برنامه با دیگر برنامه‌های فلسفه تفاوت‌های اساسی دارد. یعنی که قصد ندارد مسائل فلسفی را برای افراد غیرفلسوف مشخص کند و مسائل آنها را حل کند، بلکه می‌خواهد آنها خود فلسفی بیندیشند و مسائل خود را حل کنند. لیپمن (۱۹۸۸) معتقد است که نمونه واقعی فلسفه، رفتار و روش منحصر به فرد سقراط است. او فلسفه را یک رشته یا حرفه نمی‌داند، بلکه آن را روش زندگی کردن به شمار می‌آورد. الگوی سقراط برای ما دانش فلسفی یا فلسفه کاربردی نیست، بلکه فعالیت فلسفی است. او می‌گوید فلسفه کردار و عمل است که هر یک از ما می‌تواند آن را الگو قرار دهد.

در سال ۱۹۶۰، زمانی که ماتیو لیپمن مشغول تدریس رشته فلسفه بود، دریافت که دانشجویان دارای قدرت استدلال و داوری نیستند و برای تقویت این مهارت‌ها و قدرت تفکر در دانشجویان دیر است و این آموزش می‌بایست در دوران کودکی انجام می‌پذیرفت. لذا به این نتیجه رسید که برای پرورش تفکر انتقادی و حل مسئله باید اقداماتی در مدارس صورت گیرد. به همین دلیل به فکر ارائه ساختاری جدید با نام "فلسفه برای کودکان" افتاد تا از این طریق فلسفه را در مدارس وارد نماید. در این زمینه موسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان مواد آموزشی برنامه درسی فلسفه برای کودکان را که شامل داستان‌هایی برای کودکان و کتاب راهنمای معلم بود منتشر ساخت. این برنامه به تدریج رونق گرفت و گسترش یافت و هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا در حال آزمون و اجراست (ناجی، ۱۳۸۳؛ حسینی، ۱۳۸۷). در زمینه آموزش فلسفه و برنامه درسی فلسفه برای کودکان پژوهش‌هایی در داخل و خارج از کشورمان صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

---

1. Matthew Lipman  
2. Haynes

• مقاله‌ای با عنوان «ویژگیهای برنامه درسی فلسفه در کشورهای گوناگون»، نوشته فخری ملکی (۱۳۸۳) به چاپ رسیده که در آن پس از بررسی برنامه درسی فلسفه در چند کشور پیشنهاداتی برای اصلاح درس فلسفه در ایران ارائه شده است. از جمله این پیشنهادات به لزوم آشنایی دانش‌آموزان با ماهیت جامعه در درس فلسفه، آشنایی با معنا و مفهوم زندگی، توجه به تقویت مهارتهای تفکر، گفتگو، تحلیل و ارزیابی و آموزش تفکر فلسفی از سالهای آغازین مدرسه می‌توان اشاره نمود.

• پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیرات برنامه آموزش فلسفه به کودکان در رشد منشهای اخلاقی دانش‌آموزان» را جهانی (۱۳۸۶) انجام داده است. هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل میزان توانمندی برنامه درسی فلسفه برای کودکان برای رشد مهارتهای اساسی انسانی است. نتایج حاکی از آن است که برنامه درسی فلسفه برای کودکان می‌تواند برای رشد مهارتهای استدلالی و تقویت منشهای اخلاقی دانش‌آموزان ایرانی مفید واقع شود.

• پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی بر پرورش مهارتهای استدلال دانش‌آموزان دختر پایه سوم راهنمایی» را مرعشی و همکارانش (۱۳۸۶) در شهر اهواز انجام داده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی بر پرورش مهارتهای استدلال دانش‌آموزان است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اجرای روش اجتماع پژوهشی در کلاس درس بر پرورش مهارتهای استدلال دانش‌آموزان مؤثر است.

• «دلایل بی‌توجهی دانش‌آموزان به درس فلسفه و منطق» عنوان مقاله‌ای است از سهراب شریف (۱۳۸۶) که در آن پس از ذکر دلایل بی‌توجهی دانش‌آموزان به درس فلسفه به شیوه‌های اشاعه آموزش فلسفه پرداخته شده است.

• نتایج پژوهشی با عنوان «بررسی رویکردهای مختلف در برنامه فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی دوره ابتدایی جمهوری اسلامی ایران» (حسینی، ۱۳۸۷) حاکی از این است که عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی در زمینه اهداف و معیارهای فکری و فلسفی چندان مطلوب نیست.

• پژوهشی با عنوان «بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان روی مهارتهای استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان» با هدف مطالعه تأثیر کلاسهای فلسفه برای کودکان در زمینه پیشرفت و تقویت مهارتهای فکری و عملکرد رفتاری کودکان انجام شده است. بنابر نتایج این پژوهش، برنامه

درسی فلسفه برای کودکان برای ارتقا و تقویت بیشتر مهارت‌های پیش‌بینی شده فکری کودکان مؤثر است (ناجی و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۶).

• پیلگر استورفر<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۰۶) در کشور اتریش پژوهشی انجام داده‌اند که در این پژوهش برنامه فلسفه برای کودکان در فضای مجازی و از طریق کامپیوتر اجرا شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در این برنامه آموزشی فردی شده، دانش‌آموزان در زمینه رشد اخلاقی و اجتماعی پیشرفت کرده‌اند.

• بلزبای<sup>۲</sup> در پایان نامه دکتری خود در رشته فلسفه (سال ۲۰۰۷) به بررسی توانایی برنامه درسی فلسفه برای کودکان برای حل تضادها و دوئیتهای موجود در فلسفه همچون عاطفه و عقل، جسم و ذهن و نظریه و عمل پرداخته است. نتایج این پروژه نشان می‌دهد که برنامه درسی فلسفه برای کودکان می‌تواند توانایی فایق آمدن بر مشکلات ناشی از این دوئیتهای و ساختن یک زندگی معنادار از طریق ایجاد تعامل و انطباق میان این مفاهیم به فرد کمک کند.

• در پژوهشی که سانجانا<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) در هند انجام داده است، دانش‌آموزان پایه هفتم در برنامه درسی فلسفه برای کودکان شرکت کرده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان در رشد مهارت‌های استدلال اخلاقی و اجتماعی در دانش‌آموزان است. نتایج این پژوهش بیانگر عملکرد بهتر دانش‌آموزان در مهارت‌های اجتماعی، شناختی و اخلاقی است. دانش‌آموزان شرکت کننده در این برنامه توانایی کاربرد آموخته‌ها و مهارت‌های فوق را در زندگی روزانه دارند.

• چان یوک کنگ<sup>۴</sup> و همکارانش (۲۰۰۷) در کشور سنگاپور پژوهشی انجام داده‌اند که بر اساس نتایج آن دانش‌آموزان شرکت کننده در برنامه درسی فلسفه برای کودکان عملکردی بهتر در مهارت‌های مربوط به تفکر انتقادی و خلاق نشان داده‌اند. آنها همچنین توانایی بیان افکار و احترام به عقاید دیگران را کسب کرده‌اند.

با توجه به آنچه ذکر شد و بررسی فعالیت‌های انجام شده، پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران و برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲، در صدد پاسخگویی به پرسشهای زیر است:

---

1. Pilgerstorfer  
2. Bleazby  
3. Sanjana  
4. Chan Yoke Keng

۱. عناصر برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران در زمینه هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی چگونه است؟
۲. عناصر برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ در زمینه هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی چگونه است؟
۳. وجوه اشتراک و اختلاف برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران با برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ چیست؟

### روش پژوهش

پژوهش انجام شده از نوع تحقیق توصیفی است و در گروه پژوهشهای کاربردی قرار می‌گیرد که به مقایسه تطبیقی دو برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ و برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران با استناد به مراحل روش تحقیق تطبیقی - بردی می‌پردازد. بدین منظور پس از توصیف و تفسیر عناصر دو برنامه درسی مذکور، با در کنار هم قرار دادن این عناصر، به مقایسه آنها پرداخته شده است.

منابع مورد استفاده در این پژوهش اسناد و مدارک زیرند:

- راهنمای برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران که در سال ۱۳۸۳ دفتر تألیف و تدوین کتب درسی تهیه کرده است.
- کتب درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان
- کتاب درسی فلسفه دوره پیش دانشگاهی ایران
- راهنمای برنامه درسی فلسفه در پایه ۱۱ و ۱۲ که پژوهش اجتماعی<sup>۱</sup> نام دارد. این راهنما شامل مقدمه‌ای ۱۲ صفحه‌ای و تمرینهایی برای بهره‌گیری معلم در کلاس درس، شامل ۳۹۶ صفحه است.
- کتاب درسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ با عنوان مارک<sup>۲</sup> که توسط ماتیو لیمن در سال ۱۹۸۰ تهیه شده است.

از آنجا که ماهیت این تحقیق کیفی است و به بررسی و مقایسه دو برنامه درسی فلسفه می‌پردازد، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها به صورت تطبیقی است و در آن عناصر برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران و برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲، در حیطه اهداف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی با استناد به مراحل روش تحقیق

1. social inquiry

2. Mark



تطبیقی بردی که شامل ۴ مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه می‌باشد، مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

همان‌طور که ذکر شد، اطلاعات این نوشتار از طریق کتب درسی مورد نظر و راهنمای آنها کسب شده و برای مقایسه دو برنامه از روش تحقیق تطبیقی - بردی استفاده شده است. ابتدا عناصر دو برنامه درسی مذکور که پاسخ به پرسش اول و دوم پژوهش است، توصیف شده سپس در پاسخ به پرسش سوم به مراحل بعدی روش تحقیق تطبیقی - بردی پرداخته شده و عناصر برنامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل و مقایسه قرار گرفته است. به منظور توصیف و عناصر برنامه‌های درسی مذکور، در جدولهای ۱ تا ۴ این عناصر توضیح داده شده است.

جدول شماره ۱. اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی

<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. بهبود فهم دانش‌آموزان از طبیعت انسان و جامعه</li> <li>۲. توسعه و تقویت مهارت‌های فکری و منطقی دانش‌آموزان</li> <li>۳. ایجاد توانایی کاربرد معیارها و استفاده از آنها با توجه به عملکرد منطقی آنها</li> <li>۴. آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم اساسی جامعه همچون آزادی، دموکراسی، قانون، عدالت و معنادار ساختن این مفاهیم برای آنان</li> <li>۵. آشنایی دانش‌آموزان با قوانین جامعه و ایجاد توانایی تمییز و تشخیص قوانین از رسم و رسوم و عادات و خرافات</li> <li>۶. فهم رابطه میان قانون و سایر عناصر جامعه</li> <li>۷. اندیشیدن و ارزیابی ماهیت جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند</li> <li>۸. بهبود توانایی دانش‌آموزان در ارزیابی موادی که باید آن را مطالعه کنند</li> <li>۹. ایجاد توانایی ارزیابی عملکرد دولت و موسسات جامعه با توجه به نقش آنها</li> <li>۱۰. تحریک علائق دانش‌آموزان جهت انجام‌دادن تحقیقات اجتماعی</li> <li>۱۱. انتقال از دوره رشد و بلوغ به دوره جوانی</li> </ol>	<p>اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲</p>
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. آشنایی با برخی معانی و مفاهیم فلسفی</li> <li>۲. آشنایی با تفکر فلسفی و نسبت انسان با آن</li> <li>۳. آشنایی با سنت‌های فکری فلسفی</li> <li>۴. آشنایی با پرسش‌های اساسی در مورد انسان، جهان و مبدأ آن</li> </ol>	<p>اهداف برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران</p>
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. کسب توانایی طرح پرسش‌های بنیادین فلسفی و تأمل در آن</li> <li>۲. کسب توانایی پژوهش در شاخه‌های گوناگون فلسفه و مفاهیم فلسفه</li> </ol>	
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دعوت به تفکر فلسفی و درک اهمیت آن برای انسان</li> <li>۲. توجه به سنت‌های فکری و مقام و منزلت فلسفه در ادوار مختلف تاریخ</li> <li>۳. تقویت طلب نسبت به تأمل و تعمق در امور و مبادی آن</li> </ol>	<p>حیطه نگرشی</p>

جدول شماره ۲. محتوای برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه درسی فلسفه در پایه سوم

دبیرستان و پیش دانشگاهی

مفاهیم اساسی درس فلسفه در پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه فلسفه برای کودکان	قضاوت، آزادی، دموکراسی، قدرت، خانواده، قانون و جرم، ابعاد کار و سنت، اجتماع، جامعه، رقابت و همکاری، وضعیت و کاربرد معیارها
مفاهیم اساسی درس فلسفه سال سوم دبیرستان ایران	تفکر فلسفی، ابعاد تاریخ فلسفه، هنر و حکمت یونان، ما بعدالطبیعه، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست
مفاهیم اساسی درس فلسفه دوره پیش دانشگاهی ایران	تفکر فلسفی، معارف عقلی اسلامی، حکمت متعالیه، فلسفه مدرسی، نوزایش، فلسفه معاصر

جدول شماره ۳. روش تدریس برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی

سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی

روش تدریس در پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه درسی فلسفه برای کودکان	روش اجتماع پژوهشی <sup>۱</sup>
روش تدریس درس فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران	۱. روش ایفای نقش ۲. روش توضیحی ۳. روش پرسش و پاسخ ۴. روش طرح پرسشهای بنیادین ۵. روش همیاری

جدول شماره ۴. ارزشیابی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی

دبیرستان و پیش دانشگاهی

ارزشیابی درس فلسفه در پایه ۱۱ و ۱۲ برنامه درسی فلسفه برای کودکان	۱. ارزشیابی معلم از دانش آموزان ارزشیابی از اجتماع پژوهشی ارزشیابی تکا تکا دانش آموزان ۲. خود ارزشیابی
ارزشیابی درس فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران	۱. ارزشیابی مستمر: آزمونهای کتبی و شفاهی فعالیت پژوهشی و دفتر کار مشارکت و همکاری در فعالیتها ۲. ارزشیابی مجموعی: آزمون کتبی

## بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت ضمن پاسخ به پرسش سوم پژوهش در زمینه وجوه اشتراک و اختلاف دو برنامه درسی فلسفه ایران و برنامه درسی فلسفه برای کودکان به مراحل تفسیر، همجواری و مقایسه روش تحقیق تطبیقی بردی پرداخته شده است. بدین ترتیب هر یک از عناصر دو برنامه درسی مذکور به ترتیب مورد تجزیه و تحلیل و مقایسه قرار می‌گیرد.

**اهداف:** با دقت و تامل در اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان ملاحظه می‌شود که به منظور کارکرد مؤثر دانش‌آموزان در بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی خویش و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دانش‌آموزان لازم است درکی درست از استعدادها و قابلیت‌های خویش، در حکم یک انسان داشته باشند. به همین منظور لازم است مهارت‌های فکری و منطقی دانش‌آموزان توسعه یابد، مهارت‌هایی چون استدلال، داوری، خلاقیت و ابتکار و تفکر انتقادی و کاربرد صحیح معیارها. همچنین مفاهیمی چون جامعه، آزادی، دموکراسی، قانون و عدالت، مفاهیمی است که دانش‌آموزان همواره با آن مواجه هستند. برنامه درسی فلسفه برای کودکان در تلاش است تا این مفاهیم را برای دانش‌آموزان معنادار سازد و کاربرد و لزوم بهره‌گیری از آنها را برای دانش‌آموزان بیان کند.

از آنجا که دانش‌آموزان پس از دبیرستان وارد محیط اجتماع می‌شوند و باید به منزله فردی مستقل، اما مرتبط با جامعه به فعالیت بپردازند، لازم است با قوانین جامعه آشنایی داشته باشند. برخی رسوم، عادات و حتی خرافات که در زندگی دانش‌آموز بسیار دیده می‌شود، ممکن است برای وی به صورت بخشی از قوانین جامعه تبلور یافته باشد. برنامه درسی فلسفه برای کودکان در تلاش است به دانش‌آموزان کمک کند تا بتوانند قوانین را از رسم و رسوم و عادات تشخیص دهند و خرافات را از زندگی خود دور کنند. در این زمینه فرانسیس بیکن معتقد است که نخستین گام در راه درست اندیشیدن رها شدن از پیروی کورکورانه است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱). همچنین دانش‌آموز دوره دبیرستان باید بتواند ضمن آشنایی با قوانین جامعه، رابطه‌ای را بشناسد که قوانین با سایر عناصر جامعه دارد و تأثیری که بر عملکرد سایر موسسات و نهادهای جامعه می‌گذارد. اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در این زمینه همسو با پژوهش ملکی (۱۳۸۳) است.

از دیگر مواردی که در تدوین اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ به آن توجه شده این است که دانش‌آموز دوره دبیرستان، از آنجا که قرار است به زودی وارد جامعه شود و به مثابه یک فرد (نیروی انسانی) در جامعه به فعالیت بپردازد، باید توانایی ارزیابی و نقد محیطی

را که در آن زندگی می‌کند، داشته باشد و از این طریق در جهت رشد و پیشرفت جامعه فعالیت نماید. در این زمینه دانش‌آموز باید بتواند ارزیابی صحیحی از کارکرد دولت و موسسات وابسته به آن داشته باشد و عملکرد آنها را با توجه به نقشی که در جامعه بر عهده دارند، مورد ارزیابی قرار دهد.

تامل و دقت در اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ بیانگر این است که در این اهداف توجه کافی به شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان شده است، اما اهداف و مهارت‌های فردی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. البته ممکن است به این اهداف در سایر پایه‌ها توجه شده باشد، اما از آنجا که در این پژوهش تنها پایه ۱۱ و ۱۲ مورد بررسی قرار گرفته است، از واقعیت این موضوع اطلاعاتی در دسترس نیست. همچنین اهداف پایه ۱۱ و ۱۲ کاملاً با بعد شناختی دانش‌آموزان مرتبط است و اهداف بعد عاطفی چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

اهداف برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران می‌کوشد دانش‌آموزان را ضمن آشنا ساختن با معانی و مفاهیم فلسفی با نظریات و سیر تاریخ فلسفه آشنا سازد. از این طریق ذهن آنان را در زمینه پژوهش فلسفی، بارور سازد. از اهداف این برنامه پرورش تفکر فلسفی و از اهداف مهم آموزش و پرورش ایران (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰) پرورش روحیه تحقیق، تعقل، تفکر، نقد و ابتکار است، اما محتوای درس فلسفه تنها پاره‌ای اطلاعات را درباره تاریخ فلسفه به دانش‌آموزان ارائه می‌کند و پرورش مهارت‌های فکری آنان چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بدون شک دانش‌آموزان برای متفکر شدن و فلسفیدن نیازمند مهارت‌هایی هستند، مهارت‌هایی چون استدلال کردن، انتقادی بودن، خلاق بودن و توانایی به کار بردن آنچه می‌آموزند در تجربیات روزمره زندگی (قائدی، ۱۳۸۲). اما با توجه به آنچه در اهداف و محتوای برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران به چشم می‌خورد، به این مهارت‌ها توجه چندانی نشده و در تدوین اهداف و در همین زمینه محتوای درس فلسفه تواناییهای فکری و منطقی دانش‌آموزان مدنظر قرار نگرفته است.

در فرایند برنامه‌ریزی درسی در ایران نقش تعیین‌کننده را متخصصان و اساتید دانشگاهی ایفا می‌کنند و معلمان در این فرایند نقشی جانبی بر عهده دارند. با توجه به راهنمای برنامه درسی فلسفه ایران در تعیین اهداف این برنامه درسی نیز بیشتر از دیدگاه متخصصان این رشته و دانش فلسفه استفاده شده است، به طوری که از میان ۱۱ اعضاء شورای برنامه‌ریزی درس فلسفه تنها

یک نفر معلم وجود دارد و سایر اعضا را کارشناسان و متخصصان رشته فلسفه و برنامه‌ریزی است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳). در نتیجه در تعیین اهداف درس فلسفه دیدگاه معلمان که نقش تعیین کننده در فرایند آموزش ایفا می‌کند، مورد توجه قرار نگرفته است.

**محتوا:** در زمینه محتوا آنچه در برنامه درسی فلسفه برای کودکان مطرح می‌شود تأکید بر آشنا ساختن دانش‌آموزان با مفاهیم زندگی اجتماعی، مهارت‌های شهروندی، روابط در جامعه و جامعه‌پذیری دارد. به اعتقاد صاحب‌نظران این برنامه از آنجا که دانش‌آموزان در دوران دبیرستان باید برای زندگی اجتماعی و ورود به جامعه آماده شوند، نیازمند مهارت‌هایی برای موفق عمل کردن در زندگی اجتماعی هستند که تلاش شده است تا این مهارت‌ها در برنامه درسی فلسفه گنجانده شوند. نکته مهم و قابل توجه در این برنامه شکل متفاوت ارائه محتوا است که به صورت داستان‌هایی مرتبط با زندگی دانش‌آموزان بیان شده است. آنچه در برنامه درسی فلسفه برای کودکان می‌توان مورد انتقاد قرار داد این است که داستانها فاقد عمق و معنا هستند و موقعیتها در آن بیش از حد برنامه‌ریزی شده است و ساختگی بودن در داستان به چشم می‌خورد و نیز برخی از حوادث داستان برای دانش‌آموزان دور از ذهن و بعید به نظر می‌رسد (قائدی، ۱۳۸۲). نتایج بررسی محتوای کتاب مارک نیز حاکی از آن است که در این داستان به موقعیت‌هایی اشاره شده است که شاید به ندرت دانش‌آموزان در زندگی با آن مواجه شوند. در واقع علی‌رغم اینکه مفاهیم داستان مرتبط با زندگی دانش‌آموزان دوره دبیرستان است، موقعیتی که این مفاهیم در آن صورت می‌گیرد تا حد زیادی تصنعی و غیرمرتبط با زندگی واقعی آنان است و نتایج پژوهش در این بخش همسو با پژوهش قائدی (۱۳۸۲) است.

محتوای برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران می‌کوشد تا دانش‌آموزان را با تاریخ فلسفه از ابتدا تا کنون و چگونگی شکل‌گیری نظریات فلسفی در ادوار مختلف آشنا سازد. با توجه به دیدگاه‌های موجود در زمینه ارائه محتوا در حوزه برنامه درسی (فتحی، ۱۳۸۱)، محتوای کتب فلسفه ایران مبتنی بر دیدگاه سنتی است. بر مبنای این دیدگاه محتوا تنها به ارائه تاریخ فلسفه و میراث فرهنگی آن می‌پردازد. در حالی که بهترین روش برای ارائه محتوا، به کارگیری روشی است که هم به انتقال میراث فرهنگی یک علم بپردازد، هم فرد را برای تحول و تغییر آماده کند و هم در ایجاد تغییرات اجتماعی فعال باشد.

در کتب درسی فلسفه ایران اندیشه‌های فلسفی به صورت سطحی مطرح و غالباً به ارائه نظریات فلسفی اکتفا شده است. همچنین محتوای ارائه شده عمدتاً بیانگر تاریخ فلسفه در دوره‌های مختلف است. در این زمینه نتایج پژوهش، با پژوهش شریف (۱۳۸۶) همسوست. در ضمن زبان مورد استفاده در کتب درسی فلسفه به گونه‌ای است که خود معلمان نیز حوصله این الفاظ را ندارند. چنین زبانی سدی برای مطالعه اندیشه‌های فلسفی در برابر دانش‌آموزان است. همچنین به نظر می‌رسد در انتخاب محتوای درس فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران، اصول و ملاکهای تهیه محتوا، چندان مورد توجه قرار نگرفته است (ملکی، ۱۳۷۹). عدم ارتباط این درس با سایر دروس و ارائه آن به عنوان یک ماده درسی در سال آخر یک رشته خاص و عدم ایجاد توازن میان نیازهای فردی و اجتماعی نشان دهنده عدم رعایت اصول تنظیم محتواست.

**روش تدریس:** روش تدریس در برنامه درسی فلسفه برای کودکان به گونه‌ای است که در آن دانش‌آموزان مشارکت فعال دارند و معلم نیز نقش تسهیلگر و کمک کننده را دارد (هینز، ۲۰۰۴). قانلی، ۱۳۸۳. حسینی، ۱۳۸۷). حضور و فعالیت دانش‌آموزان در مباحث کلاس، طرز نشستن دایره‌وار، ارائه عقاید و نظرات از سوی دانش‌آموزان و ... از مزایای این روش است. این روش تا حدودی شبیه به روش بحث در نظام آموزشی ایران است، اما از آنجا که محتوا به صورت داستان ارائه می‌شود، روش تدریس شکلی خاص به خود می‌گیرد. در این روش به دلیل اینکه نکات مهم موجود در داستان برجسته می‌شود، یادگیری مفاهیم بهتر صورت می‌گیرد. البته اجرای این روش نیازمند معلمانی مجرب و آموزش دیده است و برای این کار صرف وقت و منابع مالی لازم است. همچنین معلمی که سالها به روشهای سنتی تدریس همچون سخنرانی و توضیحی عادت کرده است، حتی اگر آموزش لازم را ببیند، به سختی قادر خواهد بود چنین تغییر اساسی در روش تدریس خود ایجاد نماید. بدین منظور لازم است در نحوه تفکر و نگرش معلمان نسبت به کلاس درس تغییراتی صورت گیرد.

شایان ذکر است که در برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ روش تدریس شامل فعالیتها و گامهای مشخصی است و چگونگی کاربرد روش اجتماع- پژوهشی در کلاس درس به طور کامل و دقیق بیان شده است و معلمان می‌توانند به صورت مفید از این روش بهره‌مند شوند. این کار از سردرگمی معلم در زمینه روش تدریس می‌کاهد. اما بیان دقیق و مفصل روش اجتماع- پژوهشی و لزوم کاربرد آن از سوی معلم از خلاقیت وی می‌کاهد و او را به نیرویی فاقد اختیار در

ارائه مفاهیم مورد نظر تبدیل می‌کند. بدین ترتیب ممکن است معلم انرژی و انگیزه لازم را برای ارائه و اجرای روش اجتماع پژوهشی در کلاس نداشته باشد. بنابراین بهتر است تا حدی که به اهداف برنامه لطمه‌ای وارد نشود، برای معلم اختیاراتی در اجرای برنامه در نظر گرفته شود.

روش تدریس اجتماع- پژوهشی از آنجا که فضایی پژوهش‌مدار، کاوشگرانه و مبتنی بر گفتگو ایجاد می‌کند، با ملاکهای تعیین روش تدریس (ملکی، ۱۳۸۴؛ میرزابیگی، ۱۳۸۰) سازگار است و می‌تواند به عنوان یک روش مناسب در کلاس درس به کار گرفته شود. اما از آنجا که به کارگیری روشهای تدریس متنوع و مختلف می‌تواند تأثیری بهتر بر عملکرد دانش‌آموزان و یادگیری مفاهیم داشته باشد (جویس، ۱۳۸۵)، به نظر می‌رسد لازم است در برنامه درسی فلسفه برای کودکان روشهایی متنوعتر به منزله روشهای تدریس مکمل روش اجتماع- پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد. در زمینه روش تدریس، راهنمای برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران به گروهی از روشهای تدریس اشاره کرده است که معلمان باید آنها را برای تدریس درس فلسفه به کار گیرند و این تنوع در روش تدریس، از محاسن برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران است. اما اطلاعات بیانگر آن است که در کلاس فلسفه، معلمان به فعالیت گروهی، یادگیری مشارکتی و شیوه مسئله-محوری در کلاس درس توجهی ندارند و به طور کلی روشهای تدریس سنتی همچون سخنرانی مورد استفاده قرار می‌گیرد (شریف، ۱۳۸۶). این در حالی است که در راهنمای برنامه درسی فلسفه ایران اشاره شده است که از روش تدریس سخنرانی باید به مثابه مکمل سایر روشها و نه در حکم روش اصلی استفاده شود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳). اما از آنجا که در برنامه درسی آموزش فلسفه در ایران توجه کلی به انتقال اطلاعات و اندیشه‌های فلاسفه پیشین است (ضرغامی، ۱۳۸۷)، به نظر می‌رسد تلاش معلمان در به کارگیری روشهای متنوع تدریس و فعال کردن دانش‌آموزان در کلاس درس از تأثیر چندانی برخوردار نیست و تدریس بیشتر بر پایه روش سخنرانی صورت می‌گیرد.

روشهایی که برای تدریس درس فلسفه در ایران در نظر گرفته شده است، با برخی از ویژگیهای روش تدریس مناسب (میرزابیگی، ۱۳۸۰) هماهنگی دارد. مثلاً روشهای موردنظر متنوع‌اند و به دلیل تنوع موجود در روشها، با رشد شخصیت و بهداشت روانی دانش‌آموزان هماهنگی دارند. همچنین اشاره به روشهایی چون طرح پرسشهای بنیادین و همیاری و به کارگیری روشهای آموزش گروهی یادگیری مطالب مهم درس فلسفه را آسان می‌سازد. نتایج پژوهش ضرغامی (۱۳۸۷) حاکی از آن

است که درصد بالایی از معلمان موافق به کارگیری روشهای مبتنی بر گفتگو در کلاس درس هستند.

**ارزشیابی:** در برنامه درسی فلسفه برای کودکان، دو نوع ارزشیابی یکی ارزشیابی معلم از دانش‌آموزان و دیگری خودارزیابی انجام می‌شود. ارزشیابی معلم از دانش‌آموزان در دو بخش (ارزشیابی از اجتماع- پژوهشی و ارزیابی تک تک دانش‌آموزان) طبقه‌بندی می‌شود. ارزشیابی ارائه شده در برنامه درسی فلسفه برای کودکان نوعی ارزشیابی کیفی است که یادگیری دانش‌آموزان را در محیط بحث و گفتگو مورد سنجش قرار می‌دهد. اما در نظامهای آموزشی متمرکز که یک نظام هماهنگ برای ارزشیابی وجود دارد و ملاک ارتقا را آزمون و نمره تشکیل می‌دهد، این نوع ارزشیابی به سختی ممکن است مورد پذیرش قرار گیرد و ارائه یک نظام ارزشیابی مبتنی بر نمره نیز ممکن است به اهداف برنامه خدشه وارد کند.

بر اساس راهنمای برنامه درسی فلسفه ایران، ارزشیابی در دو مرحله صورت می‌گیرد: ارزشیابی مستمر ضمن اجرای برنامه و در طول دوره آموزشی و ارزشیابی مجموعی در پایان سال تحصیلی. البته بر اساس برنامه‌ریزی درسی ارزشیابی از نظر زمان اجرا به سه دسته تشخیصی، تکوینی و پایانی تقسیم می‌شود. برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران دو نوع ارزشیابی تکوینی و پایانی را به مرحله اجرا می‌گذارد که با عنوان ارزشیابی مستمر و مجموعی در راهنمای برنامه درسی بیان شده است. اما بر اساس تجارب نگارنده به نظر می‌رسد ارزشیابی تشخیصی در برنامه درسی فلسفه ایران جایگاهی ندارد و تنها گاهی در آغاز سال تحصیلی بنا بر تشخیص معلم این ارزشیابی به صورت کتبی یا شفاهی، برای سنجش میزان اطلاعات دانش‌آموزان در زمینه درس مورد نظر، انجام می‌گیرد. در ضمن ارزشیابی مستمر در برنامه درسی ایران بیشتر به صورت آزمونهایی صورت می‌گیرد که مشابه ارزشیابی پایانی است. با این تفاوت که حجم کمتری از مطالب کتاب را شامل می‌شود و نمرات آزمونها در پایان سال تحصیلی به همراه نمرات ارزشیابی پایانی، ارتقا یا عدم ارتقای دانش‌آموزان را تعیین می‌کند.

برخی صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی (احمدی، ۱۳۸۵، شعبانی، ۱۳۸۲) ارزشیابی را از نظر نحوه اجرا به سه روش کتبی، شفاهی و عملی طبقه‌بندی کرده‌اند. با توجه به جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود که طرح مواردی چون آزمونهای تشریحی و چند گزینه‌ای، ارائه گزارشهای کتبی و شفاهی، انجام دادن تحقیق و شرکت در بحث و گفتگو که به منزله ارزشیابی پیشرفت تحصیلی



دانش‌آموزان در برنامه درسی فلسفه ایران بیان شده است، نشانگر توجه مسئولان تدوین برنامه درسی فلسفه به طبقه‌بندی فوق است و در راهنمای برنامه درسی فلسفه ایران انواع ارزشیابی از نظر نحوه اجرا مورد توجه قرار گرفته است.

شایان ذکر است که در سالهای اخیر که نوعی از ارزشیابی مورد توجه صاحب‌نظران عرصه برنامه‌ریزی درسی قرار گرفته که ارزشیابی واقعی نامگذاری شده است. ارزشیابی واقعی به خلاف آزمونهای سنتی که مهارتهایی را می‌سنجند که در دنیای واقعی وجود خارجی ندارند، یادگیری دانش‌آموزان را در موقعیتهای طبیعی و شرایط واقعی می‌سنجد (صمدی، ۱۳۸۶؛ سیف، ۱۳۸۴). بنابراین می‌توان به جای آزمونهای قلم- کاغذی از ارزشیابی واقعی برای سنجش یادگیری دانش‌آموزان بهره‌گیری شود.

در این قسمت به منظور بهره‌گیری از برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ در برنامه درسی فلسفه نظام آموزشی ایران نکاتی کاربردی ارائه می‌شود. به این منظور هر یک از عناصر برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ در زمینه عناصر برنامه درسی فلسفه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در زمینه اهداف، همان‌طور که ملاحظه شد اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ بر آشنایی دانش‌آموزان با قوانین و مسائل مرتبط با جامعه، توسعه مهارتهای فکری دانش‌آموزان از جمله استدلال، ارزیابی، خلاقیت و ایجاد توانایی ارزیابی مسائل گوناگون جامعه تأکید دارد. به نظر می‌رسد با توجه به موقعیت سنی دانش‌آموزان و لزوم آماده‌سازی آنان برای ورود به اجتماع، گزینش چنین اهدافی برای درس فلسفه که با مهارتهای تفکر و اندیشیدن دانش‌آموزان سروکار دارد، مناسب باشد. اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ می‌کوشد تا ذهن دانش‌آموزان را خلاق و مستدل بار آورد. همچنین اهداف متناسب با شرایط زندگی واقعی دانش‌آموزان هستند. در واقع در این برنامه تلاش می‌شود تا تفکر فلسفی در دانش‌آموزان شکل بگیرد. با تأمل در اهداف برنامه درسی فلسفه ایران ملاحظه می‌شود که اهدافی چون پرورش تفکر فلسفی، آشنایی با پرسشهای اساسی درباره جهان و انسان و آشنایی با معانی و مفاهیم فلسفی در راستای اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ قرار گرفته است. شایان ذکر است که به منظور بهره‌گیری از برنامه درسی فلسفه برای کودکان در برنامه درسی فلسفه ایران لازم است

تغییراتی در بیان اهداف برنامه درسی فلسفه ایران صورت گیرد و اهداف به صورت جامع‌تر و با تلفیق نکات اساسی موجود در هر دو برنامه بازنویسی شود.

در ارتباط با محتوای برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ ملاحظه می‌شود که مفاهیم اساسی موجود در کتاب درسی مارک عمدتاً مربوط به جامعه و مسائل مرتبط با آن است. همچنین شکل ارائه محتوا در برنامه درسی فلسفه برای کودکان به صورت داستانهایی است که مفاهیم مورد نظر در داستان به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و دانش‌آموزان در کلاس این مفاهیم را شناسایی و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهند. محتوای موجود در برنامه درسی فلسفه ایران کاملاً متفاوت با محتوای برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. در برنامه درسی فلسفه ایران، محتوا بیشتر بر تاریخ فلسفه و سیر شکل‌گیری نظریات فلسفی تأکید دارد و به صورت انشایی مطرح شده است. بدین ترتیب میان این دو برنامه از نظر محتوا شباهتی به چشم نمی‌خورد. اما از آنجا که هدف از آموزش فلسفه تحقق بخشیدن به هدفهای مرتبط به اهداف دانش‌آموزان است و همان‌طور که در قسمت پیش گفته شد، بهتر است در اهداف برنامه درسی فلسفه ایران تغییراتی داده و به صورت جامع‌تر بیان شوند. همچنین بهره‌گیری از محتوای داستانی که بنیانگذاران برنامه درسی فلسفه ویژه کودکان برای تحقق یافتن اهداف اندیشیده‌اند، نتایج مثبتی در زمینه استدلال، تفکر و اندیشیدن در پی داشته است (سانجانا، ۲۰۰۵؛ جان یوک کنگ، ۲۰۰۷؛ مونتس و ماریا، ۲۰۰۱؛ ناجی، ۱۳۸۶؛ جهانی، ۱۳۸۶)، می‌توان از محتوای داستانی نیز به مثابه بخشی از محتوای برنامه درسی فلسفه ایران استفاده نمود. در این زمینه از داستانهایی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌توان بهره جست و مفاهیم مورد نظر را در این محتوا بیان کرد. به عنوان مثال بهره‌گیری از کتابهایی همچون کلیله و دمنه، داستان راستان، گلستان سعدی و ... که حاوی مفاهیم عمیق فلسفی، اجتماعی و تربیتی هستند، می‌توانند در برنامه درسی فلسفه ایران مورد استفاده قرار گیرند.

در راهنمای برنامه درسی فلسفه ایران روشهایی برای تدریس و آموزش ارائه شده است. اطلاعات حاکی از آن است که مهمترین و رایج‌ترین روش مورد استفاده در نظام آموزشی ایران روش سخنرانی است. روش تدریس مورد استفاده در برنامه درسی فلسفه برای کودکان روش اجتماع- پژوهشی است. این روش شباهت بسیار با روش بحث دارد که زیر مجموعه روش همیاری در راهنمای برنامه درسی فلسفه ایران است و تفاوت آن در نوع محتوایی است که مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین در به کارگیری روش اجتماع- پژوهشی در برنامه درسی فلسفه ایران از

نظر علمی مانعی وجود ندارد. ضمن اینکه این روش بسیاری از ویژگیهای یک روش تدریس مناسب را دارد. به همین منظور می‌توان در چیدمان کلاس تغییراتی ایجاد کرد. همچنین می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا نظرات خود را درباره محتوای درس و مفاهیم آن اظهار کنند و با یکدیگر به بحث و گفتگو بپردازند. بنابراین برای تربیت معلم و آموزشهای ضمن خدمت معلمان، لازم است تدابیری اتخاذ شود. در واقع معلمان ابتدا خود باید درباره این برنامه آموزش ببینند تا بتوانند آن را آموزش دهند.

در زمینه ارزشیابی برنامه درسی فلسفه برای کودکان نوع خاصی از ارزشیابی را مطرح می‌شود که با اشکال سنتی ارزشیابی متفاوت است. در واقع در این برنامه ارزشیابی به معنای رایج آن که به صورت آزمونهای قلم کاغذی است، جایگاهی ندارد و ملاک ارتقا یادگیری مفاهیم است. میزان این یادگیری را از یک سو معلم با بهره‌گیری از عملکرد دانش‌آموزان در کلاس و بحثها و میزان پیشرفهای فردی و گروهی آنها، و از سوی دیگر خود دانش‌آموزان مشخص می‌نمایند. با توجه به اینکه در نظام آموزش و پرورش ایران تهیه و تدوین برنامه درسی به صورت متمرکز است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳) و ملاک ارتقا را نمره و آزمون تشکیل می‌دهد که عمدتاً از طریق آزمونهای کتبی و گاهی به صورت آزمونهای شفاهی و عملی به دست می‌آید، برای کاربرد و بهره‌گیری از برنامه درسی فلسفه برای کودکان در ایران، لازم است تغییراتی در ارزشیابی صورت گیرد.

با توجه به اینکه اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲ مهارتهای تفکر و اندیشیدن را مدنظر قرار می‌دهد و تحقق بخشیدن به آنها مستلزم تعاملات دانش‌آموزان با یکدیگر است، بنابراین برای بررسی میزان تحقق یافتن اهداف این برنامه لازم است نوعی ارزشیابی به کار گرفته شود که از یک طرف با اهداف برنامه فلسفه برای کودکان متناسب باشد و آموخته‌های واقعی دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار دهد و از طرف دیگر با اصول و معیارهای نظام آموزشی ایران نیز تناسب داشته باشد و به همین منظور می‌توان از ارزشیابی واقعی (سیف، ۱۳۸۴؛ صمدی، ۱۳۸۶) بهره گرفت که طی سالهای اخیر مورد توجه صاحب‌نظران عرصه برنامه‌ریزی درسی قرار گرفته است. ارزشیابی واقعی که شباهتهایی نیز با ارزشیابی برنامه درسی فلسفه برای کودکان دارد، آموخته‌های دانش‌آموزان را در شرایط واقعی و موقعیتهای طبیعی مورد سنجش قرار می‌دهد و نشان‌دهنده توانایی دانش‌آموزان در انتقال آموخته‌هایشان به فعالیتهای دنیای واقعی و موقعیتهای زندگی است. مثلاً از کاربرد ارزشیابی واقعی در اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان در برنامه

درسی فلسفه ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: بازنویسی بخشی از یک داستان، خلق داستانی کوتاه در زمینه مباحث کلاس، اجرای نمایشی داستان در کلاس درس و ارائه گزارشی از مسائلی که ممکن است دانش‌آموزان در خانه به محیط اجتماع با آن مواجه باشند و ارائه راه حل برای آن. توصیفها، تحلیلهای دقیق، استدلال و بهره‌گیری از نمونه‌های واقعی در پاسخ به پرسشها، می‌توانند به منزله ملاک ارزشیابی مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به آنچه ذکر شد ملاحظه می‌شود که امکان تغییر و بازنویسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان به طوری که به چارچوب برنامه لطمه‌ای وارد نشود، متناسب با فرهنگ و ارزشهای جامعه ایران وجود دارد. بنابراین اجرای این برنامه در نظام آموزش و پرورش ایران نه تنها منافاتی با ارزشهای ملی و اسلامی جامعه ندارد، بلکه چه بسا بتواند وسیله‌ای مناسب برای انتقال و تأثیرگذاری این ارزشها بر دانش‌آموزان باشد.

### **پیشنهادهایی برای بهبود برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی**

با توجه به مباحثی که تاکنون ارائه شد، می‌توان پیشنهادات زیر را برای اصلاح و بهبود برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود:

۱. برنامه آموزش فلسفه در ایران تنها محدود به سالهای پایانی یک رشته خاص است، اما آموزش تفکر و فلسفیدن را نمی‌توان محدود کرد و این مهارتها لازمه آموزش و پرورش و تربیت صحیح افراد است. بنابراین بهتر است برای آموزش فلسفه در تمام سطوح تحصیلی برنامه‌ریزی شود و چون بر اساس پژوهشهای انجام شده در زمینه برنامه درسی فلسفه برای کودکان (سانجانا، ۲۰۰۵؛ جان یوک کنگ، ۲۰۰۷؛ لیکلی، ۲۰۰۰؛ مونتس و ماریا، ۲۰۰۱؛ صفایی مقدم و دیگران، ۱۳۸۵؛ جهانی، ۱۳۸۶؛ ناجی و قاضی نژاد، ۱۳۸۶) نتایج این برنامه در کشورهای گوناگون موفقیت‌آمیز بوده است، به نظر می‌رسد می‌توان ساختار کلی برنامه درسی فلسفه برای کودکان را پس از هماهنگ کردن با نظام ارزشها و باورهای جمهوری اسلامی ایران، برای تمام مقاطع تحصیلی مورد استفاده قرار داد.

۲. در زمینه تالیف و تدوین کتاب، بهتر است تغییراتی در محتوای کتابهای فعلی صورت گیرد و داستانهایی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی و مفاهیمی مرتبط با زندگی دانش‌آموزان تدوین گردد.

۳. به منظور بهبود کیفیت روش تدریس بهتر است تغییراتی در آن صورت گیرد. در همین زمینه لازم است تمهیداتی در برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان صورت گیرد که با تغییر دادن نگرش آنان، تعهد و انعطاف‌پذیری لازم برای اجرای روشهای تدریس مناسب از جمله روش بحث در کلاس فراهم شود.

۴. برای اتخاذ روش ارزشیابی مناسب باید از یک سو تمرکز در نظام آموزش و پرورش ایران مدنظر قرار گیرد و از سوی دیگر توجه شود تا ارزشیابی به گونه‌ای باشد که در تحقق بخشیدن به اهداف برنامه مانعی ایجاد نشود و به ساختار برنامه لطمه وارد نیاید. در این زمینه می‌توان به جای ارزشیابی سنتی، از ارزشیابی واقعی بهره گرفت تا تناسب بیشتری با روش ارزشیابی برنامه درسی فلسفه برای کودکان داشته باشد.

۵. برای تهیه محتوای برنامه آموزش فلسفه در نظام آموزشی ایران لازم است نیازها و علایق دانش‌آموزان و دیدگاه و نظارت معلمان در حکم پایه و اساس نظام آموزش و پرورش مورد توجه دست اندرکاران نظام قرار گیرد.

۶. باید از هرگونه اقدام بدون برنامه و شتابزده در اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در ایران، پرهیز گردد. زیرا اجرای این برنامه به تمهیدات و برنامه‌ریزیهای جدی متخصصان حوزه برنامه درسی و مسئولان عرصه تعلیم و تربیت نیازمند است.

## منابع

- احمدی، حشمت‌الله (۱۳۸۵). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی با تأکید بر روانشناسی تربیتی*. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۱). *تاریخ تحول دانش، تعلیم و تربیت تطبیقی و بین‌الملل*. انتشارات نسل نیکان.
- جویس، بروس؛ کالهن، امیلی؛ هایکینز، دیوید (۱۳۸۵). *الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس*. ترجمه محمود مهرمحمدی و لطفعلی عابدی. تهران: انتشارات سمت.
- جهانی، جعفر (۱۳۸۶). «بررسی تأثیرات برنامه آموزش فلسفه به کودکان در رشد منشهای اخلاقی دانش‌آموزان»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۷.
- حسینی، سید حسام (۱۳۸۷). *بررسی رویکردهای مختلف در برنامه فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی دوره ابتدایی جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تهران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۴). *سنجش فرایند و فرآورده یادگیری*. تهران: انتشارات دوران.
- شریف نتایج، سهراب (۱۳۸۶). *دلایل بی‌توجهی دانش‌آموزان به درس فلسفه و منطق*. رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۲.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*. تهران: انتشارات سمت.
- صافی، احمد (۱۳۸۳). *راهنمایی تحصیلی در مدارس ایران*. تهران: انتشارات روان.
- صفایی مقدم، مسعود و همکاران (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر روش اجتماع- پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز*. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال سیزدهم، شماره ۲.
- صمدی، پروین (۱۳۸۶). *ارزشیابی واقعی از پیشرفت تحصیلی و ضرورت تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی متمرکز، مجموعه مقالات ششمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران*. تمرکز و عدم تمرکز در فرایند برنامه‌ریزی درسی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- ضرغامی، سعید (۱۳۸۷). *بررسی مقایسه‌ای آموزش فلسفه و منطق به روشهای ادغامی و تفکیکی در دوره متوسطه نظری*. وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۱). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: انتشارات ایران زمین.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۲). *نقد و بررسی مبانی، دیدگاهها و روشهای آموزش فلسفه به کودکان*. رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت معلم.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۳). *آموزش فلسفه به کودکان*. بررسی مبانی نظری، تهران: انتشارات دواوین.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵). *آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان*. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۷.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۶). *رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت*. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۲.

- ملکی، حسن (۱۳۷۹). مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران: انتشارات سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران: انتشارات مدرسه.
- ملکی، فخری (۱۳۸۳). ویژگیهای برنامه درسی فلسفه در کشورهای گوناگون، رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۲.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی درسی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال آلمان، برگرفته از: برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها. پدید آورنده: محمود مهرمحمدی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ناجی، سعید (۱۳۸۳). گفتگو با لیپمن، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۸۲.
- ناجی، سعید؛ قاضی‌نژاد، پروانه (۱۳۸۶). بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان روی مهارتهای استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۷.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۷). گفتارهایی در فلسفه و فلسفه و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات طهوری.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۱). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات طهوری.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۰). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. اهداف آموزش و پرورش، جمهوری اسلامی ایران.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۳). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف و تدوین کتب درسی، راهنمای برنامه درس فلسفه دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی رشته ادبیات و علوم انسانی.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۵). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف و تدوین کتب درسی، فلسفه (آشنایی با فلسفه اسلامی)، دوره پیش‌دانشگاهی.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۶). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دفتر تألیف و تدوین کتب درسی، فلسفه سال سوم آموزش متوسطه.
- Bleazby, Jennifer (2007). Social Reconstructional Learning: Using Philosophy for Children & John Dewey to Overcome Problematic Dualisms in Education and Philosophy. A thesis submitted in the school of History & Philosophy at the University of New South Wales in the fulfillment of the award of Doctor of Philosophy.
- Boos, Eric(1997). Doing Philosophy. Analytic Teaching. Vol19, No1
- Chan Yoke Keng. Khatijah Binte Mohamad Ibrahim (2007). Philosophy for Children. Proceeding of the Redesigning Pedagogy: Culture, Knowledge and Understanding conference, Singapore.
- Haynes, Joanna(2004). Children as Philosopher. Routledge Falmer.
- Lechey, May(2000). Philosophy for Children in the Middle Years of Schooling. Analytic Teaching. Vol .21, No2.
- Lipman, Matthew(1980).MARK. Institute for the Advancement of Philosophy for Children.
- Lipman, Matthew and A.M.Sharp(1980). Social Inquiry. Institute for the Advancement of Philosophy for Children.
- Lipman, Matthew(1980). Philosophy in the Classroom. United States of America.
- Lipman, Matthew(1988). Philosophy Goes to School.Temple University Press.
- Lipman. M, Sharp. A.M and Oscanyan. F(1980). Philosophy in the Classroom. Philadelphia: Temple University Press.
- Lipman, Matthew(2003).Thinking in Education. Syndicate of the University of Cambridge.
- Montes, M. and Maria, E(2001). Juchitande los ninos, Abstract in OAPC.

Pilgerstorfer, M. Albert, D., & Camhy, D.G. (2006). Considerations on Personalized Training in Philosophy for Children. In D.G. Camhy & R. Born (Eds.), Encouraging Philosophical Thinking: Proceeding of the International Conference on in Philosophy for Children in Graz, Austria (Vol. 17, pp. 85-89).

Sanjana Mehta, Whitebread David (2005). Philosophy for Children and moral development in the Indian context. University of Cambridge.

[http://philosophy\\_dept.talif.sch.ir/index.php?page\\_id=19&menu\\_id=1&menu\\_item\\_id=47](http://philosophy_dept.talif.sch.ir/index.php?page_id=19&menu_id=1&menu_item_id=47)

